

مهر

و

آئین مهر

بقلم : آقای سعید تئیمی
استاد دانشگاه تهران

از روزی که پایه شهرنشینی فرزندان آدمی گذاشته شده و از همان بامداد زندگی همیشه هم چشمی سختی در میان نژاد آریایی و نژاد سامی در پدید آوردن دین بوده است. آریایی نژادان ایرانی همیشه از همسایگان سامی نژاد خود از فراهم آوردن آیین های نوین خوش سلیقه تر و زیبا پسندتر بوده اند نه تنها در صنایع و هنرهای خود زیبا پسندی (استتیک) را بیالاترین پایه و مایه رسانده اند بلکه در تمدن معنوی و دین و فلسفه نیز همان زیبا پسندی را از دست نداده اند.

تفاوت بسیار آشکاری که در میان کیشهای آریاهای ایرانی با ملل دیگر هست اینست که سامی نژادان یک گونه درشتی و دشخوار خوبی در عقاید خود آشکار کرده اند و ایرانیان آریایی همان لطف و رقت و ذوق و طبع شاعرانه را که در همه جا بکار داشته اند در ساختمان عقاید خود نیز بکار برده اند. بهمین جهتست که آیین های ایرانی آریایی در روزگاران گذشته گاهی انتشاری شگرف یافته و همه جهان آبادان را در بر گرفته است.

در میان آیین های ایرانی که جهانگیر شده اند در دوره پیش از تاریخ مهر پرستی و در دوره های تاریخی دین مانوی بهمنهای انتشاری که دینی ممکن بوده است در جهان متمدن بیابد رسیده اند. آیین مهر از هندوستان گرفته تا اقصای یونان و آسیای صغیر یعنی همه آسیای میانه و آسیای غربی را فرا گرفته است.

دین مانوی هم از مرزهای چین تا دریای مانشو کرانه اوقیانوس اطلس را قلمرو خود قرار داده است و زمانی رخنه ای سخت در بنیان دین نصاری افکنده و کلیساهای کاتولیک را هراسان کرده است.

مهر پرستی یکی از آیین های است که در میان ایرانیان آریایی سابقه قدیم دارد. در قرن چهاردهم پیش از میلاد در حدود سه هزار و چهار صد سال پیش در

شمال کشور عراق یا بین النهرین امروز و در سرزمینی که بعدها بنام کابادوکیا معروف شده یکی از نخستین اقوام نژاد آریایی که تازه بدین سرزمین آمده بودند زندگی می کردند که خود را «میتانی» می گفتند در کتیبه هایی که از بین میتانیان مانده اسم خداوندانی برده شده که مهم ترین آنها «میتره» و «ورونه» و «ایئدره» و «نستیه» است.

میتره همان کلمه ایست که در زبان سنسکریت به همین صورت یعنی «میتره» آمده و در پارسی باستان «میشره» و در زبان اوستا به همین صورت و در زبان پهلوی «میتر» ضبط کرده اند و سرانجام در زبان دری یعنی زبان امروز ما «مهر» شده و اینکه در زبان امروز هم بمعنی خورشید و هم بمعنی عشق و محبت است و هم نام ماه هفتمین سال ایرانیست دنباله همان معانی و مواردیست که در زبانهای پیش از اسلام ایران داشته است.

میتره یا مهر در دین قدیم ایران که پیش از ظهور زردشت در ایران رایج بوده واسطه ای در میان جهان بالا و جهان پایین یعنی جهان نورانی و جهان ظلمانی بوده است.

نخستین بار که نام مهر در کتیبه های هخامنشی برده شده در کتیبه ای از اردشیر اولست که از سال ۴۰۴ تا ۳۵۹ پیش از میلاد پادشاهی کرده است و در بین کتیبه که در ویرانه های شوش بدست آمده است اردشیر در باره ساختمانی که کرده است گوید نیاگان من آنرا ساختند و در زمان اردشیر پدر بزرگ من آتش گرفت و من بخواست هورمزد و اناهیته (ناهید) و میتره (مهر) دوباره آنرا ساختم ، باشد که هورمزد و ناهید و مهر مرا از دشمنان پاسبانی کنند و آنچه من ساختم و ایران نکنند و تپاه نکنند. این سخن اهمیت ازین جا پیدا است که در دوره هخامنشی هنوز مهر

قدیم ایرانی خود را ازدست داده است و بهمین جهتست که در شهر بابل معبدی برای مهر ساخته بودند و آنتیو کوس پادشاه کشور کوچک کوماژن در شمال شرقی سوریه در کنار رود فرات که از ۶۹ تا ۳۴ پیش از میلاد پادشاهی کرده مجسمه‌ای از مهر ساخته که اینک در محل معروف بنزودداغ باقیست .

در زمان اشکانیان مهاجرینی که از بابل رفته بودند در آسیای صغیر نهانی زندگی می کردند و مخصوصاً در کاپادوکیا و در شمال شرقی این ناحیه در سرزمین «پونت» فراوان بودند و درین نواحی اشرافی از نژاد ایرانی زندگی می کردند که ملاک بودند و دین خانوادگی آنها مهرپرستی بود چنانکه در میان پادشاهان این نواحی چندین تن نام «میترا داتس» داشته اند که بفارسی امروز «مهر داد» می شود و آنتیو کوس سابق الذکر از ایشان بود و نسب خود را بدار بوش بزرگ هخامنشی می رساند و در همان نقش برجسته نرود داغ دینی را اعلان کرده است که ترکیبی از دین ایرانیان قدیم و ارباب انواع رومیست چنانکه هورمزد را بازئوس و مهر را با آبالون و ارتگنسی (ورهران یا بهرام) را باهر کول توام کرده

را با سبان فرّه خسروی می دانسته اند و در جنگها از او یاری می طلبیده و درسو گندها نام او را می برده اند . در دوره های پسین نیز مهر پرستی در ایران پایدار مانده است چنانکه در قرن اول پیش از میلاد باندازه ای انتشار داشته که چون لشکریان بومبه سردار معروف رومی با ایران آمده و با ایرانیان روبرو شده اند این آیین را پسندیده و فرا گرفته و با خود بارو یا برده اند و چنان در میان سربازان رومی و عامه مردم رواج یافته است که در زمان کونستانتین امپراطور معروف روم که از ۳۰۶ تا ۳۳۷ میلادی پادشاهی کرده دشمن جانی دین کاتولیک بوده است . زولین امپراطور معروف بزولین بدعت گذار که از ۳۶۱ تا ۳۶۳ پادشاهی کرده است با آنکه از کودکی در دین نصاری پرورش یافته بود چون بیادشاهی رسید از آن دین برگشت و در صدد شد مهر پرستی را بجای آن در کشور خود رواج دهد اما از پیش نبرد .

در دوره پیش از هخامنشیان مهر پرستی در بین شهرین و در سرزمین کلدیه رواج داشته و بهمین جهت با عقاید دینی و اخترشناسی کلدانیان قدیم آمیخته شده و صفای



مجسمه مهر در قصر واتیکان Vatican (رم)

است و صورت خود را رو بروی مهر نقش کرده و مهر بلامت پیمان گذاری دست بسوی او دراز کرده است و این همان منظره ایست که در نقشهای ساسانی هم دیده می شود.

درین زمان پیشوایان مهر پرستی کتاب و آیین مدون نداشته اند و تعلیمات دینی آنها دهان بدهان می گشته چنانکه مدتهای مدید در ایران اوستا را بهمین گونه بیک دیگر یاد می داده اند. طایفه مغان که قبیله ای از ایرانیان چادر نشین بوده اند و بعدها رهبانیت و پیشوایی دین زردشت نیز بایشان اختصاص یافته درین زمان مروج مهر پرستی و پیشوای آن نیز بوده اند و در پایان دوره هخامنشی بسیاری از مغان مهر پرست در بابل سکنی گرفته و حتی بر رهبانان مذاهب مجاری برتری داشته اند.

بدین گونه مذهب مهر پرستی در سرزمین کلدیه با عقاید مردم آن کشور نیز آمیخته شده و بهمین جهت که برخی از عقاید ملل سامی و مخصوصاً اخترشناسی در آن رخنه کرده است. با این همه آن جنبه زیبا پسندی و ذوق شاعرانه که در روز نخست درین آیین ایرانی وارد شده هم چنان در آن باقی مانده است و مخصوصاً در مجسمه ها و نقشهای برجسته زیبایی را کاملاً رعایت کرده اند. بهمین جهت که پیروان این آیین بیشتر در شکافهای کوه ها و در جاهای بسیار با صفا عبادت کرده و پرستشگاههای خود را کنار آبهای روان و چشمه سارها می ساخته اند و در جبهه معبد نقشی از مهر قرار می داده اند که تصویر جوان بسیار زیبا و زورمندی را در حال افکندن و کشتن گاو تنومندی نشان می دادند.

قربانی گاو از مراسم مهم دین مهر پرستی بوده و این کار را مظهر این عقیده می دانستند که مهر گاو سر کشی را رام کرده و پاهای آنرا گرفته و کشیده و بعبد خود برده و خنجر پهنی در سینه آن فرو برده و آنرا کشته است و این فرمان از جانب آفتاب باو رسیده و پیام آور آن کلاغ بوده است و سپس همه گونه گیاهان از کالبد گاو قربانی شده بیرون جسته اند.

پیروان مهر پرستی بهفت درجه یا هفت طبقه تقسیم می شده اند و این همان اصولیست که بعدها مانویان اقتباس کرده اند و از آنجا بدین کاتولیک رفته است و نیز قرمطیان و صوفیه با اندک تغییری آنرا پذیرفته اند. مهر پرستان نیز برای اینکه بدرجه بالاتر ارتقا یابند می بایست عبادت ها و ریاضت هایی بجا آورند چنانکه چشمانشان را می بستند و دستشان را باروده ما کیان بهم می پیوستند و بدین گونه می بایست از فراز کودالی

که بر از آب بود بجهند تا اینکه نجات دهنده ای بیاید و این بندها و علائق را بکشاید. در مهر پرستی استغنا و بی نیازی و بی اعتنائی بمناسب ولذات این جهان هم چنانکه بعدها مانویان و صوفیه ایران بسیار بدان اهمیت داده اند بالاترین درجه روحانیت بوده است و کسانی را که بدین بالا ترین مقام رسیده بودند «سرباز» می گفتند و کسی که می خواست بدین مرتبه برسد تاجی را پیش او می آوردند و وی با دست خود رد می کرد و پیمان می بست که هرگز تاجی بر سر نگذارد زیرا که یگانه تاجور مهر بود. هر يك ازین درجات نامی داشت و رفتن اردرجه ای بمرتبه بالاتر ریاضت و عبادت و شایستگی می خواست. ترتیب درجات و نامهای آنها بدین گونه بود: کلاغ، پنهان، سرباز، شیر، پاری آفتابگام، پدر. هر کس که در یکی از این مراتب شایستگی می یافت بمرتبه بالاتر می رفت و این همان هفت درجه ایست که مانویان در آیین خود داشته اند و شکفت اینست که در پارس ساسانی نیز هفت خاندان بزرگ بوده که نجبای ایران را فراهم می کرده اند و هفت کرد و هفت خوان شاهنامه نیز یادگاری از آنست.

نقش برجسته ای از مهر پرستان در کونژیکا در سرزمین بوسنه (در یوگوسلاوی امروز) بدست آمده که منظره ای از عبادت مهر پرستانست و درین نقش اعضای هر مرتبه و درجه ای تقابلی بر روی خود کشیده اند که مظهر همان درجه ایست که در آن بوده اند.

مهر پرستان خود را جاودانی و بهره مند از فرقه آیزدی می دانسته اند و بهمین جهت که نه تنها عقاید و افکار خویش را پنهان می کرده اند بلکه عبادت و طاعت خود را در جایی که بیگانه ای نباشد بر پا میداشتند و این همه عاداتیست که هنوز در میان فراماسونهای اروپا باقیست و قطعاً فراماسونها که این اطلاعات را در آثار کشیشان کاتولیک یافته اند آنها را در آیین خود اختیار کرده اند.

در میان مهر پرستان آراستگی بزیبایی اخلاقی و پرهیز از مناهی اهمیت بسیار داشته هم چنانکه مانویان و صوفیه این اصول را پذیرفته اند و مهر پرستان تهذیب اخلاق را نه تنها یگانه وسیله تقرب یزدانی و روح جاودانی و فلاح ابدی می دانسته اند بلکه آنرا یگانه سبب پیشرفت در کشمکش های این جهانی می شمردند.

مردانگی و جوانمردی نیز در میان ایشان اهمیت بسیار داشته و بهمین جهت در امپراطوری روم و در

از وبای قدیم مهر پرستی بیشتر آیین سباهیان و لشکریان بوده و امپراطوران نیز پیشرفت کار خود را در ترویج آن می دیده اند. همین اصولیست که قرنها در میان عوام ایران در طبقه «جوانمردان» و «فتیان» باقی مانده و در زمانهای نزدیک بما بیازماندگان آنها نام «لوطی» داده اند و متاسفانه بهیچ وجه اشتقاق این کلمه معلوم نیست و گرنه می توانستیم از آن چیزی درک کنیم.

چند تن از امپراطوران روم آشکار پیروان این طریقه مردی و مردانگی بوده و مهر پرستان را ترویج کرده اند چنانکه کومود امپراطور روم در پایان قرن دوم رسماً وارد این طریقه شد و حتی در قربانی های مضغیان آن حاضر میشد. در سال ۳۰۷ میلادی دیو کاسین و گالرو لیسینیوس که در شهر کارنوتوم گرد آمده بودند با تشریفات و مراسم خاصی معبد مهر پرستان را در آنجا تعمیر کردند و چنانکه پیش ازین اشاره رفت زولین نیز در صدد برآمد این دین را ترویج کند و در کاخ امپراطوری خود در قسطنطنیه مراسم دینی مهر پرستان را برپا کرد.

در ایران هم چنانکه مهر پرستی با دین هندو متشیان آمیزش یافته بود با دین مزدیسنی و آیین بهدین نیز پیوند گرفت. نه تنها سروش و مهر و رشنو بگانه فرشتگانی اند که در آن جهان مردم را پاداش و کیفر می دهند بلکه میتره یا مهر یکی از مهم ترین بزرگان یا ایزدان دین زرتشتی است. یکی از مهم ترین قسمت های یشت ها که جزو

«هفتن یشت بزرگ» یعنی هفت قسمت مهم آنست «مهر یشت» نام دارد. هنوز مزدیسنان ایران نیز متشککاه خود «در مهر» می گویند. اینکه خورشید در روایت ها و تصاویر و صنایع مختلف ایران این همه تکرار شده و در عقاید ایرانیان هر زمان مظهر زیبایی و بهترین وسیله تشبیه معشوق بوده است قطعاً از همانجاست.

در گاتها که کلمه مهر یک بار استعمال شده یعنی تکلیف دینی آمده و در وندیداد (وید بوداد) همه جا یعنی پیمان آمده است چنانکه در مهر یشت نیز مکرر

با این معنی استعمال شده است. در مذاهب هند «میتره» و «ورونه» مکرر آمده است.

هنوز بزرگترین جشن هایی که از نیاکن ما برای ما مانده جشن نوروز و مهر گانست و تردیدی نیست که نوروز که همان روز هر مزد باشد بیاد آفرینش جهان و آغاز بهار و مهر گان که روز مهر از ماه مهر باشد بیاد کار تکمیل آفرینش و آغاز خزانست. درین صورت در کیش مزدیسنی مهر پس از هورمزد بالاترین مظهر دینست و در میان بزرگانها امتیاز دارد بهمین جهتست که هم روز و هم ماهی را بنام او خوانده اند. در باره مهر در دین مزدیسنی بحث بسیار بسرازا خواهد کشید و کسانی که خواستار نددین زمین آگاهی بیشتری بدست آورند بکتاب «پشتها - چند اول - ۳۹۲ - ۴۲۰» تالیف دوست و همکار ارزمند من آقای پورداد رجوع کنند.

در زبانهای اروپایی کتابها و رسایل فراوان در باره مهر پرستی و آئین مهر هست و من برای تکمیل دانش خوانندگان چند کتاب مهم تر را که بزبانهای مختلف نوشته شده است در پایان سخن می شمارم:

- 1) Dr Friedrich Windischmann - Mithra, Leipzig 1857.
- 2) F. Cumont - Textes et monuments figurés relatifs aux mystères de Mithra 2 vol. Bruxelles 1894 - 1900.
- 3) Albrecht Dieterich - Eine Mithrasliturgie, Leipzig 1923.
- 4) Theodor Kluge, Der Mithrakult, Leipzig 1911.
- 5) Charles Autran - Mithra, Zoroastre et la préhistoire aryenne du Christianisme. Paris 1935.
- 6) Georges Dumézil - Mitra-Varuna, Paris 1948.

تهران ۱۸ شهریور ماه ۱۳۲۷

سعید نقیسی